

دخالت‌های روسیه و انگلستان در ایران (از انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹)

مقدمه

رقابت‌ها و توافقات روسیه و انگلیس در ایران، جنگ جهانی اول و کودتای ۱۲۹۹، روند تحولات تاریخ ایران را کاملاً تحت‌تأثیر خود قرار داد. در این درس نقش دولت‌های روسیه و انگلستان در مقطع بسیار مهمی از تاریخ ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روسیه و انگلستان و انقلاب مشروطه ایران

مخالفت روسیه با انقلاب مشروطه: دولت روسیه آشکارا با جنبش مشروطه‌خواهی و مشروطه‌خواهان ایران مخالفت کرد؛ زیرا:

۱- حکومت تزاری روسیه استبدادی بود و نسبت به هرگونه اندیشه آزادی‌خواهی و حکومت مشروطه دشمنی می‌ورزید.

۲- روسیه بر شاه و دربار ایران نفوذ زیادی داشت و چون انقلاب مشروطه موجب محدود شدن اختیارات و قدرت شاه و دربار می‌شد، این موضوع خوشایند روس‌ها نبود.

۳- دولتمردان روسی از گرایش و وابستگی مشروطه‌خواهان به دولت انگلستان نگران بودند. با این همه، حکومت تزاری روس در موقعیتی نبود که بتواند مانع پیروزی انقلاب مشروطه ایران شود؛ زیرا به‌تازگی در جنگ با ژاپن به سختی شکست خورده و گرفتار جنبش مشروطه‌خواهی در داخل روسیه بود.

سیاست منفعت‌طلبانه انگلستان در برابر مشروطه: طبیعی است که دولت‌های استعمارگر در اساس با هرگونه جنبش ملی و مردمی در کشورهای تحت نفوذ و سلطه خود مخالفت کنند، اما دشمنی آنها با چنین نهضت‌هایی در شکل‌های مختلف و گاهی در لباس دوستی جلوه می‌کرد. دولت انگلستان

در صدد برآمد از طریق نفوذ در رهبران و دست‌اندرکاران انقلاب مشروطه، این انقلاب را از مسیر اصلی خود منحرف کند و در جهت منافع استعماری خود سوق دهد. به همین منظور درهای سفارت انگلستان در تهران به روی مشروطه‌خواهان گشوده شد و مأموران انگلیسی به ظاهر از انقلاب پشتیبانی کردند. خیلی زود پرده از این سیاست متظاهرانه برداشته شد و دولت انگلستان در مقابل لشکرکشی محمدعلی‌شاه و روسیه بر ضد مجلس شورای ملی و مشروطه‌خواهان سکوت کرد و سپس از طریق دسیسه و دخالت‌های گوناگون در امور داخلی ایران، نهضت مشروطه را از نفس انداخت.

قرارداد ۱۹۰۷

اختلافات کشورهای اروپایی بر سر منافع استعماری در اواخر قرن نوزدهم میلادی به اوج خود رسید و به تدریج زمینه را برای چنددستگی و صف‌آرایی آنها در مقابل یکدیگر فراهم کرد. در این میان، دو



نقشه تقسیم ایران براساس قرارداد ۱۹۰۷

دولت انگلستان و روسیه که از قدرت یافتن آلمان و متحدانش بیم داشتند، در سال ۱۹۰۷ م. / ۱۲۸۷ ش. طی قراردادی با تقسیم کردن ایران میان خود، کوشیدند به اختلافات خویش پایان دهند. براساس قرارداد ۱۹۰۷ که به طور پنهانی به امضا رسیده بود، ایران به سه منطقه تقسیم می شد: منطقه تحت نفوذ روسیه، منطقه تحت نفوذ انگلیس و منطقه بی طرف؛ اما به دلیل عدم اقتدار دولت ایران، این بی طرفی نیز معنایی نداشت.

مشروطه نوپا و تجاوزهای بیگانگان

در گرماگرم نبرد میان مستبدان و آزادی خواهان (در دوره استبداد صغیر)، نیروهای نظامی روس براساس قرارداد ۱۹۰۷، از مرزهای شمالی گذشتند و با پیشروی در خاک ایران، وارد تبریز شدند. پس از چندی، نیروهای نظامی انگلستان نیز مناطق جنوبی ایران را تصرف کردند. روس ها در تبریز ثقه الاسلام تبریزی و عده ای دیگر را که به مخالفت با آنها برخاسته بودند، اعدام کردند و در مشهد، گنبد امام رضا (ع) را به توپ بستند؛ بنابراین، مهم ترین و اساسی ترین مشکل مشروطه نوپا، حضور تجاوزکارانه انگلیسی ها و روس ها در ایران بود. با این حال، مشروطه خواهان که با فتح تهران پیروزی بزرگی به دست آورده بودند، در صدد برآمدند که با حل کردن مشکلات، اوضاع کشور را سر و سامان دهند. آنها برای دستیابی به این هدف، در گام نخست مقدمات بازگشایی مجلس شورای ملی را فراهم آوردند (آبان ۱۲۸۸). مجلس دوم کار خود را در میان شور و شوق فراوان مردم آغاز کرد اما بعضی اقدامات آن، خشم و نارضایتی آشکار دولت روسیه را برانگیخت و موجب کارشکنی های پنهانی دولت انگلستان شد. این نارضایتی و کارشکنی ها سرانجام به تعطیلی مجلس انجامید^۱.

ایران در جنگ جهانی اول

در آستانه جنگ جهانی اول، ایران اوضاعی آشفته و بحرانی داشت. وضعیت ناپایدار سیاسی، نابسامانی های اقتصادی و دخالت های گسترده قدرت های خارجی و اشغال بخش هایی از شمال و جنوب کشور توسط نیروهای روسی و انگلیسی، حکومت قاجار را ضعیف و متزلزل کرده بود.

اشغال ایران: اگرچه پس از شروع جنگ جهانی اول^۲، دولت ایران اعلان بی طرفی کرد، لیکن

۱- پس از پیروزی مشروطیت و به دنبال مشکلات اقتصادی، مجلس از فردی آمریکایی به نام مورگان شوستر (Morgan Shuster) دعوت کرد تا برای کمک به اصلاح اوضاع اقتصادی به ایران بیاید. اقدامات شوستر با اعتراض جدی روس ها مواجه شد و در پی فشارهای سیاسی آنان، دولت به ناچار شوستر را از ایران اخراج کرد.

۲- ۱۹۱۴ م. / ۱۲۹۳ ش.

دولت‌های درگیر در جنگ کمترین اعتنایی به آن نکردند. روسیه و انگلستان که از تنفر شدید ایرانیان نسبت به خود آگاه بودند و از فعالیت مأموران و جاسوسان آلمان در ایران واهمه داشتند، به سرعت بر شمار نیروهایشان در کشور ما افزودند. سپاهیان روسیه بخش‌هایی از شمال و نیروهای انگلیسی قسمت‌هایی از جنوب ایران از جمله مناطق نفت خیز را به اشغال خود درآوردند. این دو دولت طی قراردادی سرّی (قرارداد ۱۹۱۵) ایران را به دو قسمت میان خود تقسیم کردند. همزمان ارتش عثمانی نیز مناطقی از غرب ایران را تسخیر کرد. به دنبال پیشروی نیروهای روسیه تا دروازه‌های پایتخت، جمعی از مشروطه‌خواهان، شامل تعدادی از نمایندگان مجلس شورای ملی، وزیران و شخصیت‌های مذهبی، ابتدا به قم، سپس به اصفهان و سرانجام به کرمانشاه مهاجرت کردند. مهاجران در آن شهر، تحت حمایت متحدین (آلمان و عثمانی)، دولت موقت ملی را تشکیل دادند. با هجوم نیروهای متفقین به کرمانشاه و شکست سپاه عثمانی، دولت موقت ملی سقوط کرد و اعضای آن پراکنده شدند.



اعضای دولت موقت ملی در کرمانشاه، از راست: میرزا قاسم خان صوراسرافیل، حسین سمیعی، محمدعلی فرزین، رضاقلی نظام مافی، آیت‌الله شهید سیدحسین مدرس، امان‌الله اردلان، محمدعلی نظام مافی

ایستادگی در برابر اشغالگران: به‌رغم آن که حکومت قاجار فاقد توان و اراده لازم برای مقابله با نیروهای متجاوز و اشغالگر بود، اما در برخی مناطق، به‌ویژه نواحی فارس و بوشهر، نیروهای مردمی تحت تأثیر فتوای مراجع و هدایت و حمایت روحانیونی نظیر آیت‌الله شیخ جعفر محلاتی و آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری، با هدف دفاع از استقلال وطن در برابر قوای اشغالگر انگلیسی ایستادند. دلیران تنگستان و دشتستان به فرماندهی رئیسعلی دلواری تا آخرین قطره خون با نیروهای متجاوز جنگیدند و ضربات سختی بر آنها وارد کردند. مردم کازرون نیز به رهبری ناصر دیوان کازرونی با شجاعت و شهامت تمام رویاروی نیروهای انگلیسی شدند. عشایر عرب خوزستان نیز در «نبرد جهاد» تلفات سنگینی بر ارتش اشغالگر وارد آوردند.

آثار جنگ : جنگ جهانی اول برای مردم ایران بسیار فاجعه‌آمیز بود. کشوری که دولت و مردمش، هیچ نقش و دخالتی در شروع و ادامه جنگ نداشتند، تلفات جانی و خسارت‌های مالی هنگفتی را متحمل شد. افزون بر آن عده از ایرانیان که بر اثر درگیری‌های نظامی جان باختند، شمار بسیار زیادی از مردم ایران بر اثر قحطی، گرسنگی و بیماری‌های ناشی از جنگ و اشغال به طرز دلخراشی جان دادند. این در حالی بود که منابع اقتصادی و مواد غذایی کشورشان توسط اشغالگران مصادره شده بود.



ره آورد جنگ جهانی اول برای ملت ایران

محمدعلی جمال‌زاده، تلفات وحشتناک شیراز را در زمان جنگ جهانی اول این‌گونه روایت کرده است: «جنگ جهانی اول در آستانه اتمام بود [پاییز ۱۹۱۸] که در دل شبی تاریک و هولناک سه سوار ترسناک که هر کدام شمشیر و شلاق به بر داشتند به آرامی از دیوارهای شهر عبور کردند و به آن وارد شدند. یک سوار نامش قحطی، دیگری آنفلوآنزای اسپانیایی و آخری وبا بود. طبقات فقیر، پیر و جوان، همچون برگ پاییزی در برابر حمله این سه سواران بی‌رحم فرو می‌ریختند. هیچ غذایی پیدا نمی‌شد، مردم مجبور بودند هر چه را که می‌توانستند بچوند و بخورند. به زودی گربه و سگ و کلاغ را نمی‌شد یافت. حتی موش‌ها نسلشان بر افتاده بود. برگ، علف و ریشه گیاه را مانند نان و گوشت معامله می‌کردند. در هر گوشه و کنار، اجساد مردگان پراکنده بود. بعد از مدتی مردم به خوردن گوشت مردگان روی آوردند».

انقلاب روسیه و نقشه‌های جدید انگلستان

انقلاب اکتبر روسیه^۱ در اواخر جنگ جهانی اول روی داد و بر اوضاع کشور ما بسیار تأثیر گذاشت. تغییر رژیم در روسیه، باعث بازگشت سپاهیان روس به کشورشان شد. دولت استعمارگر انگلیس با استفاده از این وضع، بلافاصله حضور نظامی خود را در مناطق شمالی ایران گسترش داد

۱- در سال ۱۹۱۷ م. / ۱۲۹۶ ش. مردم روسیه که از ستم حاکمان این کشور به ستوه آمده بودند، به مخالفت با حکومت برخاستند و سرانجام، خاندان پادشاهی این کشور (رومانوف‌ها) را برکنار کردند. انقلاب روسیه از دو جهت برای ایران اهمیت داشت؛ یکی این که موجب خروج نیروهای روسیه از ایران شد و دیگر این که انقلابیون این کشور اعلام کردند که قصد تسلط مجدد بر ایران و دخالت در امور کشور ما را ندارند. این وعده بعدها نادیده گرفته شد اما در آن سال‌ها از بار مشکلات ایران کاست. از آن پس، نام این کشور از «روسیه» به «شوروی» تغییر یافت.



وئوق الدوله

و بدین ترتیب، سراسر کشورمان را اشغال کرد. انگلیسی‌ها در صدد بودند تا در غیاب رقیب خود و با وجود تسلط بی‌چون و چرای نظامی که به دست آورده بودند، با انعقاد قراردادهایی، منافع سیاسی-اقتصادی خود را تأمین کنند.

قرارداد ۱۹۱۹: با نخست‌وزیر شدن وئوق الدوله^۱ تا حد زیادی زمینه مساعد برای اهداف انگلستان در ایران فراهم شد. در دوره نخست‌وزیری او «قرارداد ۱۹۱۹ م.» (۱۲۹۸ ش.) میان ایران و انگلیس امضا شد که بر اساس آن، امتیاز ایجاد راه‌آهن و راه‌های شوسه در سراسر کشور به انگلیسی‌ها واگذار می‌شد و ایران با گرفتن

وام از انگلستان، اداره امور مربوط به دارایی و ارتش خود را به مأموران و کارشناسان و فرماندهان انگلیسی می‌سپرد. چنان که پیداست، در صورت اجرای این قرارداد، ایران به طور رسمی تحت نفوذ و سلطه کامل انگلستان قرار می‌گرفت.

پس از انتشار متن قرارداد، مردم و برخی از دولتمردان مخالفت خود را با آن ابراز کردند. در رأس مخالفان این قرارداد، آیت‌الله مدرس قرار داشت و خانه او، از جمله مراکز تجمع مخالفان بود. اعلامیه‌ها و شب‌نامه‌هایی^۲ در مخالفت با قرارداد در سراسر ایران منتشر شد. دولت، زیر فشار انگلیسی‌ها به سرکوب مخالفان و تبعید و زندانی کردن آنها پرداخت. شیخ محمد خیابانی در مخالفت با قرارداد یادشده، در تبریز قیام کرد. گسترش موج مخالفت‌ها وئوق الدوله را به قبول شکست وادار کرد. شکست قرارداد ۱۹۱۹، در واقع شکست سیاست‌های انگلیس در ایران بود. در پی این شکست، دولت انگلیس که چنین وضعی را ناشی از ضعف حکومت قاجار و از هم‌پاشیدگی اوضاع ایران می‌دانست، در صدد برآمد که زمینه را برای تشکیل حکومت جدید از طریق کودتا فراهم کند.

۱- حسن وئوق معروف به وئوق الدوله از جمله سیاستمداران وابسته به انگلستان که در مجلس اول نماینده طبقه تجار بود و در چند

کابینه، مقام وزارت یافت. او دو بار نیز به مقام نخست‌وزیری رسید.

۲- اطلاعیه‌هایی که به صورت مخفی نوشته و تکثیر می‌شد و شب‌ها توزیع یا به در و دیوارها چسبانده می‌شد. این اقدام در آگاهی

مردم نقش مؤثری داشت.



شیخ محمد خیابانی



آیت‌الله شهید سیدحسن مدرس



سیدضیاءالدین طباطبایی

کودتای سیاه: دولت انگلستان برای دستیابی به اهداف خود، در صدد تغییر حکومت ایران برآمد؛ به این منظور، برنامه کودتا طرح‌ریزی و اجرای آن به سفارت انگلیس و نیروهای انگلیسی مستقر در ایران واگذار شد. آبرون سایید^۱، فرمانده نظامی نیروهای انگلیسی در ایران، به جست‌وجو در میان نیروهای قزاق پرداخت و به کمک سیدضیاءالدین طباطبایی^۲ که از سیاستمداران وابسته به انگلستان بود، یکی از فرماندهان نظامی به نام رضاخان را برای این منظور، مناسب تشخیص داد. آبرون سایید در قزوین با رضاخان ملاقات کرد و با توجه به اطلاعاتی

که سید ضیاءالدین درباره او جمع‌آوری کرده بود، توانست وی را با اهداف خود هماهنگ کند. آبرون سایید بعد از آماده کردن رضاخان برای انجام کودتا، به تهران آمد و به احمد شاه چنین القا کرد که حرکت نظامی رضاخان به سوی تهران، برای حفظ کشور و سلطنت ضروری است. با آماده شدن شرایط، قوای قزاق در بامداد روز سوم اسفند ۱۲۹۹ وارد تهران شدند و بی‌آنکه با مقاومت جدی روبه‌رو شوند، نقاط حساس پایتخت را تسخیر کردند. در پی این حادثه، شاه تحت فشار انگلیسی‌ها به ناچار سیدضیاءالدین طباطبایی را به نخست‌وزیری منصوب کرد. رضاخان نیز که مهره نظامی کودتا بود، به عنوان فرمانده ارتش، لقب «سردار سپه» گرفت. به فاصله کوتاهی، سید ضیاء (مهره سیاسی کودتا) استعفا کرد و به اروپا رفت؛ اما رضاخان (مهره نظامی کودتا) در مقام وزیر جنگ روزبه‌روز بر قدرت و نفوذ خود افزود.

۱- Ironside

۲- مدیر روزنامه رعد و مدافع قرارداد ۱۹۱۹



احمد شاه قاجار به همراه رضاخان و سایر رجال درباری

بیشتر بدانیم

میرزا کوچک خان و نهضت جنگل



نهضت جنگل قیام مردمی بود که در یکی از

حساس‌ترین دوره‌های تاریخی کشور ما، شکل گرفت. این نهضت از جنگل‌های گیلان آغاز شد و سپس، روستاها و شهرهای این استان را دربر گرفت و هفت سال ادامه یافت. رهبر نهضت جنگل، میرزا کوچک خان، طلبه آزادمنش و

انقلابی و فردی مؤدب، متواضع، خوش‌برخورد و پای‌بند

به اجرای دستورات دینی بود. او از همان ابتدای جوانی دارای صفات عالی و ممتاز بود و در میان همسالان خود شاگردی با استعدادان، بی‌پروا و طرفدار عدل و حامی مظلومان به‌شمار می‌رفت؛ آن‌چنان که هرگاه کسی به دیگری ستم می‌کرد، مشت میرزا را بالای سر

خود می‌دید. میرزا کوچک‌خان ورزش را دوست می‌داشت و هر روز ورزش می‌کرد. او مردی متفکر و آرام بود؛ زیاد حرف نمی‌زد و آهسته و سنجیده سخن می‌گفت و صحبت‌هایش اغلب با لطیفه و مزاح همراه بود. دارای جذبه‌ای خاص بود و به ندرت اتفاق می‌افتاد که مخاطبش را مجذوب متانت و بیان او نشود. میرزا یک مرد مذهبی تمام عیار بود و هیچ‌گاه واجباتش را ترک نمی‌کرد. او به اشعار فردوسی علاقه خاصی داشت؛ به طوری که در مرکز فرماندهی خود در جنگل، جلسات منظمی برای خواندن شاهنامه ترتیب داده بود.

میرزا در آستانه انقلاب مشروطیت، زمانی که بسیار جوان بود، در رشت دست به حرکت‌های انقلابی زد؛ در حرکت مشروطه‌خواهان شمال برای سرنگونی محمدعلی‌شاه، دلاوری‌های بسیاری از خود نشان داد و همراه با مشروطه‌خواهان به تهران رفت. او در جریان جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط روس و انگلیس، به فکر برپا کردن یک نهضت مسلحانه افتاد. اهداف او و یارانش در برپایی این نهضت عبارت بودند از: اخراج نیروهای بیگانه، رفع ناامنی و بی‌عدالتی و برقراری امنیت، مبارزه با خودکامگی و استبداد.

قیام جنگل در مقابله با متجاوزان و دولت‌های بی‌کفایتی که در تهران بر سر کار می‌آمدند، در طول هفت سال فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت. این قیام، سرانجام به دنبال خیانت دولت شوروی، بروز اختلاف در میان سران نهضت جنگل و حمله نیروهای دولتی به فرماندهی رضاخان، سرکوب شد اما نام میرزا و مقاومت‌های مردانه‌اش در برابر ستم و تجاوز، در خاطر مردم ایران زنده و جاوید ماند و الگویی برای مبارزان بعدی شد.

- ۱- جنگ جهانی اول چه اثری بر اوضاع ایران داشت؟
- ۲- قرارداد ۱۹۱۹ دربردارنده چه مسائل و مواردی بود و چه واکنش‌هایی را در پی داشت؟
- ۳- چرا در دوره احمدشاه، انگلیس‌ها سیاست تغییر حکومت ایران را در پیش گرفتند؟
- ۴- با توجه به آنچه در این درس خواندید، به نظر شما، مشکلات اصلی کشور ما در اواخر دوره سلطنت قاجار چه بود؟ توضیح دهید.

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره مفاد قرارداد ۱۹۱۹ مطلبی تهیه کنید.
- ۲- با توجه به آنچه در درس‌های قبل آموخته‌اید، بیان کنید که به نظر شما، شرایط اجتماعی، به قدرت‌گیری رضاخان کمک کرد یا برعکس؟ چرا؟

ایران در دوران سلطنت رضا شاه

مقدمه

شما در این درس، با چگونگی تأسیس سلسلهٔ پهلوی، ماهیت اقدامات رضاشاه و نیز چگونگی برکناری او از سلطنت آشنا می‌شوید.

رضاخان از نخست‌وزیری تا پادشاهی

رضاخان در سمت وزارت جنگ از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ ش.، با دسیسه چینی و حمایت انگلستان، موقعیت خود را تثبیت کرد. سرانجام، شاه قاجار و مجلس به ناچار به نخست‌وزیری او رضایت دادند. احمد شاه بلافاصله به سفر اروپا رفت^۱ و رضاخان با استفاده از این فرصت، اوضاع و شرایط داخلی را برای برداشتن قدم نهایی – یعنی رسیدن به سلطنت – آماده کرد. او برای رسیدن به اهدافش، ابتدا پیشنهاد کرد به جای حکومت سلطنتی، نظام «جمهوری» در کشور برقرار شود اما کسانی نظیر آیت‌الله مدرس، مردم را به حرکت بر ضد این پیشنهاد تشویق کردند؛ به طوری که رضاخان، سرانجام حرف خود را پس گرفت. اما برای رسیدن به تاج و تخت سلطنت، دست از تکاپو برنداشت.

رضاخان در غیاب شاه که در اروپا به سر می‌برد، روز به روز موقعیت خود را بیشتر تحکیم می‌کرد و در عین حال، می‌کوشید تا با تبلیغاتی گسترده علیه احمدشاه، او را نسبت به سرنوشت مملکت بی‌اعتنا نشان دهد. احمد شاه پس از مدتی، تصمیم به بازگشت به ایران و حفظ سلطنت گرفت. انگلیسی‌ها وقتی که از تصمیم شاه برای عزیمت به ایران مطلع شدند، نزد او رفتند و ضمن مبالغه‌گویی در اوضاع آشفتهٔ ایران، صلاح او را در این دانستند که مدتی از رفتن به ایران چشم‌پوشد تا رضاخان بتواند امنیت لازم

۱- انگلیسی‌ها و رضاخان چنین تبلیغ می‌کردند که وضع کشور بسیار آشفته است؛ بنابراین، به شاه پیشنهاد می‌کردند که مدتی به خارج از کشور برود و پس از برقراری امنیت، بازگردد. از سوی دیگر، آنها خروج شاه را نشانهٔ بی‌علاقگی او به کشور اعلام می‌کردند.

را برای حضورش در کشور فراهم آورد.

هرچه توقف شاه در اروپا بیشتر طول می کشید، تبلیغات طرفداران رضاخان مبنی بر این که شاه علاقه‌ای به سرنوشت ایران ندارد، بیشتر می شد و مردم نیز کم و بیش این نکته را باور می کردند. پس از سرکوبی شورش خزل و بعضی شورش‌های پراکنده دیگر، با توجه به امنیتی که رضاخان به وجود آورده بود، محبوبیت او افزایش یافت؛ در همین حال، در اثر تبلیغات طرفداران رضاخان، بدبینی مردم نسبت به احمد شاه و گرایش به رضاخان نیز بیشتر شد.



شیخ خزل

شیخ خزل رئیس قبیله محیسین شاخه‌ای از قبیله بنی‌کعب ساکن در خوزستان و با نفوذترین فرد در آن منطقه بود؛ به طوری که همه مسئولان ادارات، با وجود او هیچ اختیاری نداشتند. شیخ خزل با انگلیسی‌ها ارتباط داشت و انگلیسی‌ها از نفوذ و قدرت او برای ایجاد امنیت در خوزستان استفاده می‌کردند؛ زیرا آنان برای استخراج نفت در این منطقه، با وجود عشایر مختلف عرب و غیرعرب، به قدرتی محلی که امنیت را برایشان برقرار سازد نیازمند بودند. با ظهور رضاخان و قدرت‌گیری او، بر شیخ خزل مسلم بود که او دیر یا زود با رضاخان درگیری خواهد داشت. عاقبت نیز چنین شد. انگلیسی‌ها شیخ خزل را فدای رضاخان کردند تا او را در میان مردم قهرمان جلوه دهند. سرانجام، شیخ خزل به دستور رضاشاه به تهران فراخوانده شد و خود و پسرش مخفیانه به قتل رسیدند.

به سلطنت رسیدن رضاخان

پس از آنکه عمال انگلیس اذهان عموم مردم را به سود رضاخان آماده کردند، سرانجام در سال ۱۳۰۴ ش. ماده واحده‌ای به صورت طرح در مجلس شورای ملی مطرح شد که در آن، خلع قاجاریه از سلطنت و سپردن حکومت موقت به رضاخان خواسته شده بود. در این ماده واحده، پیش‌بینی شده بود که پس از خلع قاجاریه، مجلس مؤسسان برای تغییر چند ماده از قانون اساسی تشکیل خواهد شد و تکلیف قطعی سلطنت را تعیین خواهد کرد. جز چهار تن از نمایندگان مجلس - از جمله آیت‌الله مدرس و دکتر مصدق - سایر نمایندگان به این طرح رأی مثبت دادند.^۱

۱- دو تن دیگر عبارت بودند از: یحیی دولت‌آبادی و سیدحسن تقی‌زاده.

با حمایت همه‌جانبه‌ای که از سوی دولت‌های بزرگ خارجی به عمل آمد، انتخابات مجلس فرمایشی مؤسسان برگزار شد. در آذر سال ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان با نطق رضاخان افتتاح شد و پس از شش روز بحث و گفت‌وگو، رضاخان را به پادشاهی ایران انتخاب و سلطنت را در خانواده او موروثی اعلام کرد.

ماهیت برخی از اصلاحات و اقدامات رضاشاه

آغاز سلطنت پهلوی، در واقع فصل جدیدی از تاریخ ایران است که همزمان با آن، دوره نوینی از غارت کشور ما به دست بیگانگان آغاز می‌شود که به «استعمار نو» شهرت دارد.



آیا می‌دانید تفاوت استعمار نو و استعمار کهنه چیست؟ توضیح دهید.

رضاشاه پس از رسیدن به سلطنت، در زمینه‌های داخلی و خارجی به اقداماتی دست زد. این اقدامات عبارت بودند از:

۱- بازگشت به حکومت استبدادی

وی از همان ابتدای کار، به حذف شخصیت‌های آزادی‌خواه، مستقل و مخالف با نفوذ بیگانگان اقدام کرد و شیوه حکومت استبدادی و رأی فردی را پیش گرفت. او به مجلس قانون‌گذاری و قانون‌اهمیت نمی‌داد و تصمیمات فردی خود را به اجرا درمی‌آورد.

۲- ایجاد ارتش منظم

به وجود آوردن ارتش منظم در ایران از جمله برنامه‌های اساسی انگلیسی‌ها بود. این ارتش ضمن این‌که تمرکز قدرت سیاسی را در کشور ممکن می‌ساخت، قیام‌های مردمی را سرکوب می‌کرد و در مواقع ضروری، به عنوان تأمین‌کننده اهداف نظامی انگلستان مورد استفاده قرار می‌گرفت. رضاشاه نیروهای سه‌گانه ارتش را با هدایت انگلیسی‌ها به وجود آورد. به نو کردن ارتش پرداخت و در سال ۱۳۰۴ ش. قانون نظام و وظیفه عمومی را به تصویب رساند.

۳- احداث خط آهن سراسری

از جمله اقدامات رضاشاه، احداث راه‌آهنی بود که بندر ترکمن را به بندر شاهپور متصل می‌کرد.

۱- بندر امام خمینی فعلی

احداث این راه با تبلیغات فراوان انجام گرفت و در واقع، هدف آن ایجاد راهی سراسری برای انتقال سریع نیروهای انگلیسی از جنوب به شمال بود. در صورت پیشروی روس‌ها، انگلیسی‌ها با استفاده از این راه می‌توانستند نیروهای خود را به سرعت به شمال بفرستند و مانع نفوذ آنها به هندوستان شوند. در جنگ جهانی دوم همین راه به مهم‌ترین عامل ارتباطی نیروهای متفقین مبدل شد.

۴- اسکان عشایر

از دیگر اقدامات رضاشاه، اسکان اجباری عشایر بود. هدف آن، مهار کردن نیروی رزمی عشایر بود. این اقدام، از رونق دامداری کشور کاست و باعث شد که کشور ما از نظر دامی به بیگانه نیازمند شود.

۵- یک شکل کردن لباس‌ها و کشف حجاب

رضاشاه به نام تمدن و تجدد و مبارزه با کهنه پرستی، به یک شکل کردن لباس‌ها و نیز برداشتن

حجاب بانوان اقدام کرد؛ اما

مردم مسلمان ایران در برابر این اقدامات دست به مقاومت زدند که از آن جمله باید از قیام مردم مسلمان مشهد در مسجد گوهرشاد نام برد که در جریان آن، عده‌ی زیادی کشته و مجروح شدند.



رضاشاه دانش‌آموزان را هم به استفاده از کلاه پهلوی مجبور کرد.

۶- تجدید امتیاز نفت

در دوره مظفرالدین‌شاه قاجار، امتیاز کشف و بهره‌برداری از منابع نفت ایران به مدت ۶۰ سال به فردی انگلیسی^۱ واگذار شد. بعدها دولت انگلستان بر این امتیاز چنگ انداخت. در حالی که ۳۲ سال از مدت امتیازنامه گذشته بود، رضاشاه به‌طور ناگهانی و یکجانبه قرارداد مذکور را لغو کرد، اما اندکی بعد با انعقاد قرارداد جدیدی (قرارداد نفتی ۱۹۳۳ م./۱۳۱۲ ش.)، حق بهره‌برداری از منابع نفت جنوب ایران را به مدت ۶۰ سال به انگلستان داد. این قرارداد نسبت به امتیاز پیشین، به مراتب شرایط زیانبارتری برای منافع ملی ایران داشت.

۱- ویلیام ناکس دارسی

سیاست مذهبی رضا شاه

رضاشاه که تصور می‌کرد مهم‌ترین راه پیشرفت و توسعه کشور تقلید از غرب و اشاعه فرهنگ غربی است. پس از مسافرت به ترکیه و آشنایی با آتاتورک، رئیس‌جمهور آن کشور، به تقلید از او به مبارزه با همه سنت‌های اسلامی پرداخت. او در این راه حتی مأمورانی مخصوص در کوچه و خیابان شهر گماشت که وظیفه داشتند به زور چادر را از سر زنان بکشند. رضاشاه برای تضعیف روحانیت، دستور داد که روحانیون نیز لباس‌های مخصوص خود را کنار بگذارند. به دستور وی، دفترخانه‌های شرعی تعطیل شدند و دخالت روحانیون در مسائل اجتماعی اکیداً ممنوع اعلام شد. عزاداری سیدالشهدا قدغن شد و از انجام پذیرفتن بسیاری از آداب مذهبی به شدت جلوگیری به عمل آمد.



رضاشاه و آتاتورک

یک توضیح



حتی یک رأی!

معروف است که شهید مدرس در انتخابات مجلس هفتم، از جمله داوطلبان نمایندگی مردم تهران بود. پس از انجام انتخابات، اعلام شد که او حتی یک رأی هم نیاورده است. مدرس در این باره گفته بود: «به فرض که هیچ‌کس به من رأی نداده است؛ پس آن یک رأی که من به خودم داده بودم چه شد؟»

شهادت مدرس

مدرس، روحانی مبارز و خستگی‌ناپذیری که آرزویش نجات ایران از چنگال استبداد و استعمار بود، در دوران نخست‌وزیری رضاخان و پس از به سلطنت رسیدن او، یگانه دشمن سرسخت و جدی وی به‌شمار می‌رفت.

وجود مدرس در تهران خطری جدی برای ادامهٔ حکومت رضاخان به حساب می‌آمد. از سوی دیگر، رضاشاه می‌دانست که نمی‌تواند مدرس را مانند دیگر مخالفان، بدون توجه به عکس‌العمل مردم به راحتی از بین ببرد؛ از این رو، در صدد برآمد که ابتدا او را تبعید کند و پس از آن که قدرت خویش را تثبیت کرد، به قتل وی اقدام کند؛ به این ترتیب، در مهرماه ۱۳۰۷ مأموران شهربانی به منزل این روحانی والا مقام هجوم بردند و او را به خوفاً تبعید کردند.^۱ مدرس سال‌ها در خوفاً زندانی بود. سرانجام پس از فراهم شدن زمینه، وی را از خوفاً به کاشمر بردند و پس از مدت کوتاهی، در ۱۰ آذر ۱۳۱۶ او را در همان‌جا مسموم کردند و به شهادت رساندند.

رضاشاه و سیاست‌گرایی به آلمان

همزمان با آغاز سلطنت رضاشاه، انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند با تقویت کشور آلمان که همچنان گرفتار مصائب جنگ جهانی اول بود، کمی از مشکلات اقتصادی کشور یاد شده بکاهند و با این همکاری، مانع از افتادن آلمانی‌ها به دام کمونیسم شوند. از نظر انگلیسی‌ها، در آن شرایط، بهترین راه مساعدت به آلمان این بود که سیاستمداران انگلیسی به رؤسای کشورهای تحت سلطهٔ خویش دستور دهند تا امکان فعالیت‌های تجاری و صنعتی آلمان را در این کشورها فراهم سازند؛ به همین دلیل، رضاشاه درهای کشور ایران را به روی سرمایه‌های آلمانی گشود.

اشغال ایران توسط متفقین

چنان‌که در درس دهم خواندید، جنگ جهانی دوم با حملهٔ آلمان به لهستان در شهریور ۱۳۱۸/ سپتامبر ۱۹۳۹ آغاز شد. آلمان سپس فرانسه را اشغال کرد و دو سال بعد به شوروی نیز هجوم آورد. در ابتدا، پیشروی نیروهای آلمانی به سوی شوروی با خون‌سردی انگلستان و ایالات متحده و شاید سادی پنهان آنان همراه بود، اما با فاش شدن سیاست خاورمیانه‌ای هیتلر که هدف آن، توسعهٔ نفوذ آلمان

۱- شهربانی خوفاً ماهانه مبلغ ۱۵۰ ریال برای ایشان تعیین کرده بود؛ چند سال بعد، مدرس از همان بول در گوشه‌ای از شهر خوفاً آب‌انباری ساخت.

در این منطقه و تصرف چاه‌های نفت و ضربه زدن به دولت‌های رقیب بود، یک‌باره وحشت سراپای سیاستمداران انگلستان را فراگرفت؛ بنابراین، کشورهایی که خود را دشمن شوروی می‌دانستند، تصمیم گرفتند استالین را یاری کنند. استالین، رهبر کشور شوروی نیز دست دوستی کشورهای سرمایه‌داری را فشرده.

در آغاز جنگ، دولت ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد و اظهار داشت که به قوای بیگانه اجازه عبور از خاک ایران را نخواهد داد. اتخاذ این سیاست در عمل به نفع آلمان بود؛ زیرا کشور ایران تنها راه تقویت جبهه شوروی به حساب می‌آمد. در این میان، متفقین که تصمیم خود را برای ورود به کشور ما گرفته بودند، در تیرماه ۱۳۲۰ از دولت ایران خواستند که آلمانی‌های مقیم ایران را اخراج کرده و در عوض، از کارشناسان متفقین استفاده کند. اما رضاشاه با تأکید بر بی‌طرفی، از این امر سر باز زد.

پیشروی آلمانی‌ها در شوروی به حدی رسید که اگر ادامه می‌یافت، نیروهای آلمانی به چاه‌های نفت - یعنی رگ‌های حیاتی انگلستان - دست می‌یافتند؛ بنابراین، در روز ۳ شهریور ۱۳۲۰، سفیران دو کشور انگلستان و شوروی به طور جداگانه یادداشت‌هایی را به دولت ایران تسلیم و اعلام کردند که چون ایران در مقابل متفقین سیاست مبهمی در پیش گرفته است، ارتش‌های آنان ناگزیر وارد ایران خواهند شد.



اشغالگران از راه آهن ایران برای مقاصد نظامی خود استفاده می‌کردند.

ارتش رضاشاه و نیروهای متفقین



محمدعلی فروغی (ذکاء الملک)

با ورود نیروهای متفقین به ایران، ارتش رضاشاه متلاشی شد. فرماندهان، سربازخانه‌ها را ترک کردند و سربازان نیز به غارت وسایل سربازخانه‌ها پرداختند. در نواحی کرمانشاه و بعضی بنادر شمالی و جنوب، بخشی از نیروهای ایرانی در مقابل قوای انگلستان مقاومت کردند اما سرانجام، در ۵ شهریور ۱۳۲۰، فرمان ترک مقاومت به کلیه نیروهای نظامی ابلاغ شد. نیروهای شوروی از شمال و انگلیسی‌ها از جنوب به پیشروی پرداختند و به هم پیوستند. کابینه علی منصور، نخست‌وزیر، سقوط کرد و ذکاء الملک فروغی به نخست‌وزیری رسید.

در روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰، نیروهای انگلستان و شوروی به سوی تهران حرکت کردند؛ آنها رضاشاه را مجبور به استعفا کردند و چون در آن شرایط، برای اعمال سیاست‌های خود کسی را مناسب‌تر از فرزند او نمی‌دیدند، وی را به پادشاهی رساندند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- رضاشاه برای حذف احمدشاه از صحنه سیاسی ایران چه کرد؟
- ۲- مجلس مؤسسان، تکلیف قطعی سلطنت قاجار را چگونه مشخص کرد؟
- ۳- اقدامات فرهنگی رضاشاه و پیامد آنها را توضیح دهید.
- ۴- چرا ایران در جنگ جهانی دوم مورد توجه انگلستان و شوروی قرار گرفت؟
- ۵- به نظر شما، مشکلات ایران از آغاز پیروزی انقلاب مشروطه تا قدرت گرفتن رضاشاه چه بود؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره تأسیس بانک ملی مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره قرارداد داری (که در زمان قاجارها بسته شد) و قرارداد ۱۹۳۳ م. مقاله‌ای تهیه کنید.

وضع ایران از اشغال متفقین تا کودتای ۲۸ مرداد

مقدمه

دوران دوازده ساله ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش. یکی از مقاطع مهم و حساس تاریخ ایران است. آثار و نتایج سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، چگونگی خروج نیروهای اشغالگر از سرزمین ما و موضوع بسیار مهم مبارزه ملت ایران با استعمار انگلستان و کوشش برای ملی شدن نفت، از مهم ترین حوادث این دوره اند که در این درس بررسی و تحلیل می شوند.

وضع اجتماعی و اقتصادی ایران در دوران اشغال

در درس قبل خواندید که دولت ایران در شروع جنگ جهانی دوم هیچ دخالتی نداشت و بی طرفی خود را در جنگ اعلام کرد، اما خاک ایران به اشغال نیروهای متفقین (انگلستان، شوروی و آمریکا) درآمد و تا پایان جنگ جهانی دوم نیز در اشغال ماند. مردم ایران در دوران اشغال، با مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی بسیاری روبه رو شدند و خسارت و آسیب های فراوانی را تحمل کردند. امکانات اقتصادی ایران از قبیل بنادر، راه ها، فرودگاه ها و کارخانه های مهم در اختیار اشغالگران قرار گرفت و حتی ذخیره مواد غذایی نیز به سربازان متفقین اختصاص یافت. در طول آن سال های سخت، عده زیادی از ایرانیان در نتیجه کمبود و گرانی مواد غذایی دچار سوء تغذیه و بیماری شدند و جان خود را از دست دادند. همچنین در اثر کمبود و کیفیت نامطلوب نان، آشوب های بزرگی در نقاط مختلف، از جمله در پایتخت به پا شد.

خروج نیروهای اشغالگر متفقین، از ایران

دولت ایران در پایان جنگ جهانی دوم، از دولت‌های متفق خواست که نیروهای نظامی خود را از ایران خارج کنند. آنها در طول جنگ نیز با اعلام اینکه استقلال و تمامیت ارضی ایران را به رسمیت می‌شناسند، قول داده بودند، حداکثر شش ماه پس از تسلیم ژاپن، نیروهای خود را از ایران خارج کنند. پس از خاتمه جنگ (شهریور ۱۳۲۴ / سپتامبر ۱۳۴۵) انگلستان و آمریکا نیروهای خود را از ایران خارج کردند و از شوروی نیز خواستند که همان کار را انجام دهد؛ اما روس‌ها که در صدد تحکیم نفوذ خود در ایران و اخذ امتیاز نفت شمال ایران بودند، نه تنها نظامیان خود را از ایران خارج نکردند، بلکه به حمایت از فرقه دموکرات آذربایجان و فرقه دموکرات کردستان پرداختند. در آن زمان اعضای فرقه‌های مذکور مسلح شده و به اقدامات مسلحانه رو آورده بودند. حضور نیروهای اشغالگر شوروی مانع از مقابله نیروهای نظامی ایران با این فرقه‌ها می‌شد.

سرانجام پس از سفر احمد قوام نخست‌وزیر وقت ایران به مسکو^۱ و مذاکره با استالین رهبر شوروی و سایر مقام‌های آن کشور، نظامیان روسی خاک ایران را ترک کردند؛ البته فشارهای بین‌المللی برای خروج ارتش شوروی از ایران را نیز نباید نادیده گرفت. پس از آن ارتش ایران با حمایت مردم آذربایجان و کردستان به خودسری‌های فرقه‌های دموکرات آذربایجان و کردستان پایان داد.

مبارزه برای ملی کردن نفت ایران

انگلیسی‌ها که به اهمیت حیاتی نفت ایران آگاه بودند، برای تسلط بیشتر بر ذخایر نفت ایران و رقابت اقتصادی با آمریکا و شوروی و براساس قرارداد نفتی ۱۹۳۳ م. / ۱۳۱۲ ش. ایران و انگلیس، یک قرارداد الحاقی را با دولت ساعد به امضا رسانیدند.^۲

علی منصور نخست‌وزیر جدید قرارداد الحاقی نفت را به مجلس شورای ملی برد تا موافقت نمایندگان را برای تصویب آن جلب کند. مجلس از تصویب آن امتناع کرد. با استعفای منصور، سپهبد رزم‌آرا به مقام نخست‌وزیری رسید.

۱- بهمن ۱۳۲۴

۲- به دلیل آنکه این قرارداد به امضای گس نماینده دولت انگلیس و گلشائیان وزیر دارایی ایران رسیده بود، به قرارداد گس-گلشائیان

معروف شده است.



دکتر محمد مصدق و آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی

دلیل انتخاب یک فرد نظامی به نخست‌وزیری تهدید نمایندگانی بود که خواهان لغو همه قراردادهای نفتی و ملی شدن صنعت نفت ایران بودند. اما این کار عزم نیروهای ملی - مذهبی به رهبری آیت الله کاشانی و دکتر مصدق را برای ملی کردن نفت بیشتر کرد.

فداییان اسلام و مسئله ملی شدن نفت

هنگامی که مخالفت سپهبد رزم‌آرا در مقابله با ملی شدن نفت شدت پیدا کرد و وی ملت و نمایندگان مجلس شورای ملی را مورد توهین و تحقیر قرار داد، فداییان اسلام به رهبری یک روحانی جوان معروف به نواب صفوی، رزم‌آرا را در شانزده اسفند ۱۳۲۹ ترور کردند. ضارب او خلیل طهماسبی یکی از اعضای فعال فداییان اسلام بود.

یک توضیح



شهید نواب صفوی



شهید نواب صفوی

سید مجتبی میرلوحی، مشهور به نواب صفوی، به سال ۱۳۰۳ ش. در خانی آباد تهران به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به نجف رفت. سه سال بعد، به انگیزه مقابله با سخنان ضد اسلامی سید احمد کسروی، به ایران بازگشت؛ نواب صفوی پس از آن که در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ کسروی را مجروح کرد، بازداشت شد. پس از آزادی، جمعیت فدائیان اسلام را تأسیس کرد. دلایل و اهداف تأسیس این جمعیت، اجرای قوانین و احکام اسلامی، محو عوامل استعمار و مخالف اسلام و مهیا ساختن زمینه تشکیل حکومت اسلامی

اعلام شده بود. اعضای جمعیت فدائیان اسلام، در طول ۱۰ سال فعالیت خود، افرادی را ترور انقلابی کردند؛ عده‌ای از این افراد (مانند احمد کسروی، عبدالحسین هژیر و علی رزم‌آرا) کشته و افرادی هم (مانند سید حسین فاطمی و حسین علا) مجروح شدند. سرانجام رهبر و تعدادی از اعضای فعال جمعیت فدائیان اسلام، توسط مأموران حکومت پهلوی شناسایی و محبوس شدند؛ سپس حکومت آنان را محاکمه کرد و نواب صفوی و سه تن از باران فعالش را در ۲۷ دی‌ماه ۱۳۳۴ به شهادت رساند.

یک روز بعد از کشته شدن رزم‌آرا، کمیسیون نفت لایحه ملی شدن نفت ایران را تصویب کرد و در ۲۴ اسفند نیز به تصویب مجلس شورای ملی رسید و مجلس سنا نیز در ۲۹ اسفند آن را تأیید کرد. به این ترتیب با کوشش تمامی نیروهای میهن‌دوست و ضد استعمار، نهضت ملت ایران برای ملی کردن نفت و قطع دست استعمار انگلستان از منابع عظیم نفت ایران به نتیجه رسید.

تلاش برای جلوگیری از ملی شدن نفت ایران

انگلیسی‌ها برای ممانعت از ملی شدن نفت در ایران اقدامات زیادی را انجام دادند که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- تعطیلی دو شعبه بانک انگلیس در ایران به منظور تخریب اقتصاد ایران
- ۲- فشار به دولت و بازرگانان ایران برای بازپرداخت سریع بدهی‌های خود
- ۳- خارج کردن سرمایه شرکت نفت جنوب از سیستم گردش پولی ایران
- ۴- تحریم اقتصادی و تهدید نظامی ایران
- ۵- طرح شکایت از ایران در دادگاه بین‌المللی لاهه

فراز و فرود نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق

نخست‌وزیری دکتر مصدق به دو دوره قابل تقسیم است:

۱- دوره اول از ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲۵ تیر ۱۳۳۱: این دوره با حمایت قاطع آیت‌الله کاشانی و وحدت میان شخصیت‌های ملی و مذهبی همراه بود و دکتر مصدق تلاش کرد تا حقانیت ایران



تعدادی از وزیران کابینه محمد مصدق

را در مجامع بین‌المللی به اثبات برسانند. دادگاه بین‌المللی لاهه نیز در موضوع نفت به نفع ایران رأی صادر کرد. با برگزاری انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی، اوضاع سیاسی کشور بهتر شد.

۲- دوره دوم از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲: دکتر مصدق که در داخل کشور با توطئه‌های دربار مواجه بود، برای سروسامان دادن به اوضاع، از محمدرضا شاه درخواست کرد تا وزارت جنگ و کنترل ارتش را نیز به وی بسپارد، اما مخالفت شاه با این تقاضا سبب شد تا دکتر مصدق بدون مشورت با آیت‌الله کاشانی در ۲۵ تیر ۱۳۳۱ استعفا دهد. محمدرضا شاه نیز با خوشحالی استعفای او را پذیرفت و احمد قوام را مأمور تشکیل کابینه کرد.

قیام ۳۰ تیر

آیت‌الله کاشانی به شدت با نخست‌وزیری قوام مخالفت کرد و مردم را به مبارزه فراخواند. وی همچنین تهدید کرد، اگر قوام ظرف چهل و هشت ساعت کنار نرود، دستور جهاد خواهد داد. با موضع‌گیری قاطع آیت‌الله کاشانی، مردم تهران و چندین شهر دیگر، روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ با تعطیل کردن بازار به خیابان‌ها ریختند و خواستار برکناری قوام از نخست‌وزیری شدند. به دستور قوام نیروهای نظامی مردم را به گلوله بستند، اما همان روز مقاومت ملت ایران نتیجه داد و با استعفای قوام، مصدق دوباره نخست‌وزیر شد و اختیارات وزارت جنگ و نیروهای مسلح را نیز به دست گرفت.

۱- شهرهای کرمانشاه، همدان، آبادان، خرمشهر، قزوین، رشت، اهواز، شیراز، اصفهان، کاشان و...

متأسفانه ثمرهٔ قیام ۳۰ تیر که حاصل مجاهدت ملت ایران و خون ده‌ها شهید بود، خیلی زود از دست رفت. اندکی پس از پیروزی قیام، نهضت گرفتار تفرقه و چنددستگی شد. اختلاف میان رهبران نهضت که روزه‌به‌روز بر دامنهٔ آن افزوده می‌شد، ضربهٔ اساسی بر پیکر نهضت وارد آورد. قدرت‌طلبی، منفعت‌جویی فردی و حزبی و لجاجت برخی از دست‌اندرکاران نهضت از یک‌سو و دسیسهٔ قدرت‌های استعماری، توطئهٔ درباریان، شاه و سایر دشمنان ملت ایران از طرف دیگر، زمینه و شرایط را برای انجام کودتا و شکست نهضت ملی فراهم آورد.

کودتای ۲۸ مرداد

آمریکایی‌ها بعد از جنگ جهانی دوم حضور بیشتری در صحنهٔ سیاسی و امور داخلی ایران پیدا کردند و علاقه‌مند بودند تا با گرفتن امتیازات سیاسی - اقتصادی، برای همیشه در ایران بمانند. اما هنگامی که در این راه ناکام شدند و با دکتر مصدق به توافق نرسیدند، همراه با انگلیسی‌ها و درباریان، مقدمات کودتایی را علیه دولت مصدق فراهم کردند. مرحلهٔ اول کودتا در ۲۵ مرداد با شکست مواجه شد و محمدرضا شاه به اتفاق همسرش از ایران فرار کرد. اما مرحلهٔ دوم کودتا در ۲۸ مرداد سبب سقوط دولت مصدق و سیطرهٔ آمریکایی‌ها بر ایران شد.



صحنه‌ای از کودتای ۲۸ مرداد در تهران



شاه در جمع عده‌ای از افسران نظامی شرکت‌کننده در کودتای ۲۸ مرداد

ادامه مبارزه در دوران خفقان آمیز پس از کودتا

با وجود پیروزی کودتاجیان، جریان مقاومت در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی ادامه



یافت. تعدادی از شخصیت‌های ملی و مذهبی به همراه استادان دانشگاه تشکلی را با نام نهضت مقاومت ملی پایه‌گذاری کردند. آیت‌الله کاشانی نیز با صدور اعلامیه‌ای با قرارداد جدید نفتی مخالفت کرد. تعدادی از استادان دانشگاه نیز به دلیل اعتراض به مذاکرات نفت از دانشگاه اخراج شدند. دانشجویان دانشگاه تهران نیز در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در اعتراض به برقراری رابطه مجدد با انگلستان و سفر نیکسون^۱ به ایران تظاهراتی برپا کردند که در جریان آن سه تن از دانشجویان به شهادت رسیدند.^۲

محمدرضا شاه و سرلشگر فضل‌الله زاهدی عامل کودتای ۲۸ مرداد

بیشتر بدانیم

اوضاع ایران در فاصله سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱ ش.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد شرایط سختی در کشور حکمفرما شد. دولت کودتا در تهران فرمانداری نظامی تشکیل داد. فرمانداری نظامی فعالیت‌های مخالفان را سرکوب کرد و آنها را تحت تعقیب، آزار و شکنجه قرار داد. در سال ۱۳۳۴ ش. دولت آمریکا برای تقویت حکومت پهلوی مبلغ ۴۵ میلیون دلار به صورت بلاعوض به دولت ایران پرداخت کرد. در همان سال ایران به «پیمان بغداد»^۳ پیوست. این پیمان به توصیه آمریکا ابتدا بین کشورهای ترکیه و عراق در سال ۱۳۳۳ ش. به امضا رسید. سپس

۱- معاون رئیس‌جمهور آمریکا

۲- به همین مناسبت در تقویم جمهوری اسلامی ایران این روز به نام روز دانشجو نام‌گذاری شده است.

۳- Baghdad Pact

دولت‌های انگلستان، پاکستان و ایران نیز به آن پیوستند. هدف از شکل‌گیری پیمان بغداد مقابله با گسترش نفوذ شوروی بود. با خروج عراق از پیمان بغداد در سال ۱۳۳۸ نام این پیمان به پیمان سنتوا (مرکزی) تغییر یافت و مرکز آن به آنکارا منتقل شد.

در سال ۱۳۳۵ قانون تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) به تصویب مجلس شورای ملی رسید و سازمان مذکور با هدف کشف و خنثی‌سازی مخالفت‌ها و تعقیب و دستگیری مخالفان رسماً در سال ۱۳۳۶ ش. شروع به کار کرد. در دوران نخست‌وزیری منوچهر اقبال (۱۳۳۶-۱۳۳۹ ش.) که از دوستان مورد اعتماد شاه بود، به تقلید از آمریکا، دو حزب سیاسی جدید ایجاد شد. حزب ملیون به رهبری منوچهر اقبال و حزب مردم به رهبری اسدالله علم.

در شهریور ۱۳۳۹ اقبال از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد و جعفر شریف‌امامی به نخست‌وزیری منصوب شد. در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ در راهپیمایی اعتراض آمیز فرهنگیان در تهران، یکی از فرهنگیان به نام دکتر خانعلی توسط پلیس کشته شد. به دنبال این واقعه، بحران سیاسی مملکت را فراگرفت و گروه‌های سیاسی مخالف که از حاکمیت اختناق آمیز به تنگ آمده بودند، ندای اعتراض سر دادند.

از سوی دیگر، در انتخابات سال ۱۹۶۱ م. / ۱۳۳۹ ش. در آمریکا حزب دموکرات پیروز و جان اف. کندی^۲ به ریاست جمهوری آن کشور انتخاب شد. دولت جدید آمریکا، ایران را برای اقداماتی که امکان نفوذ بیشتر آمریکا را در آینده فراهم کند، تحت فشار قرار داد. آنان نام این اقدامات را «برنامه‌های اصلاحی» گذاشتند. آمریکایی‌ها با این کار قصد داشتند زمینه‌های گرایش به کمونیسم را از بین ببرند. دولت آمریکا اعطای کمک‌های نظامی و مالی به ایران را مشروط به انجام اصلاحات کرد. شاه برای مهار بحران رو به گسترش داخلی و ایجاد هماهنگی با سیاست آمریکا، با استعفای شریف‌امامی موافقت و علی‌امینی را به نخست‌وزیری منصوب کرد. امینی که مورد حمایت آمریکا بود، مأموریت داشت اصلاحات را در کشور به انجام برساند. نخست‌وزیر جدید برای جلوگیری از مخالفت مجلس شورای ملی که بسیاری از نمایندگان زمین‌داران در آن حضور داشتند، از شاه درخواست کرد مجلس را منحل کند. شاه در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ مجلس را منحل کرد و امینی با کمک وزیر کشاورزی خود برنامه اصلاحات را از «اصلاحات ارضی» (تقسیم زمین زمین‌داران بزرگ) آغاز کرد. اصلاحات ارضی موجب محبوبیت نسبی امینی شد اما با مقاومت و مخالفت زمین‌داران بزرگ که در حکومت نفوذ داشتند، مواجه شد. از سوی دیگر، شاه که شاهد افزایش محبوبیت نخست‌وزیر در جامعه بود، نگران شد و در صدد برکناری او برآمد. در اثر فضای سیاسی نسبتاً باز که به توصیه آمریکا در دوران نخست‌وزیری امینی برقرار شده

بود، گروه‌ها و احزاب سیاسی بعد از تحمل حدود یک دهه فشار و سرکوب، فعالیت خود را به‌ویژه در مدارس و دانشگاه‌ها از سر گرفتند. در جریان تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران در اول بهمن ۱۳۴۰، نیروهای نظامی به دانشگاه یورش بردند و به سرکوبی دانشجویان پرداختند. این واقعه بهانه لازم برای اثبات بی‌کفایتی امینی را به‌دست شاه داد؛ بنابراین او را برکنار و اسدالله علم رهبر حزب مردم را به نخست‌وزیری منصوب کرد.

علم در ادامه اصلاحات، لایحه اصلاح قانون انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در دستور کار دولت خود قرار داد که سرانجام در نتیجه اعتراضات پیگیر امام خمینی (ره) لغو شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- اشغال ایران در جنگ جهانی دوم از نظر اقتصادی و اجتماعی چه پیامدهایی داشت؟
- ۲- ادامه حضور نیروهای شوروی پس از جنگ جهانی دوم در ایران، چه مشکلاتی در کشور ما ایجاد کرد؟
- ۳- انگلیسی‌ها برای جلوگیری از ملی شدن نفت ایران به چه فعالیت‌هایی روی آوردند؟
- ۴- چه شخصیت‌ها و گروه‌هایی برای ملی شدن نفت تلاش کردند و چه کسانی خواستار واگذاری امتیاز جدید نفت به انگلستان بودند؟
- ۵- دکتر مصدق در دوره اول نخست‌وزیری خود چه اقداماتی انجام داد و در دوره دوم نخست‌وزیری با چه مشکلاتی مواجه شد؟
- ۶- علت وقوع قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ چه بود؟ رهبری قیام بر عهده چه کسی بود و چه دستاوردی داشت؟
- ۷- پس از کودتای ۲۸ مرداد چه مقاومت‌ها و اعتراض‌هایی در مقابل دولت کودتا و سلطه بیگانگان، صورت گرفت؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره نقش دکتر مصدق در دفاع از حقوق ایران در دیوان داوری لاهه، مطلبی تهیه کنید.